



هالیوود

کیت بلانشت باز نشسته می‌شود



گذاشتن بازیگری است؛ هرچند هنوز جدول زمانی مشخصی برای این تصمیم وجود ندارد.

بلانشت گفت: «خانواده‌ام هربار که اینو می‌گم، چشماشون رو بالا می‌برن، ولی من جدی‌ام. من واقعا به کنار گذاشتن بازیگری فکر می‌کنم. کلی چیز هست که می‌خوام توی زندگیم انجام بدم.»

بلانشت در سال ۲۰۰۵ برای فیلم «هوانورد» اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را کسب کرد. در سال ۲۰۱۴ برای «جاسمین غمگین» برنده اسکار بهترین بازیگر زن شد. او همچنین برای ۶ فیلم دیگر نیز نامزد اسکار شده است. این ستاره هر کار به‌تازگی در فیلم «شیاعات» ساخته گای مدین، سسرِیال «سلب مسئولیت» از آلفونسو کوارون، «سرزمین‌های مرزی» به کارگردانی الی‌راث و «کیف سیاه» از استیون سودربرگ نقش آفرینی کرده است. پروژه بعدی او فیلم «پدر، مادر، خواهر، برادر» به کارگردانی جیم جارموش خواهد بود. بلانشت از طریق کمپانی خود به نام Dirty Films، در سال ۲۰۲۳ با همکاری نتفلیکس و ابتکار USC Annenberg Inclusion Initiative عنوان Proof of Concept راه‌اندازی کرد. این برنامه به فیلمسازان زن، مبلغ ۵۰ هزار دلار برای ساخت فیلم سینمایی یا سریال تلویزیونی اختصاص می‌دهد.

فراتر از بازیگری و تهیه‌کنندگی، بلانشت باید با شهرت هم کنار بیاید. او به Radio Times گفت که در تمام این سال‌ها هیچ‌گاه از «ساساناتی در معرض توجه بودن» در امان نبوده است.

او گفت: «وقتی می‌ری توی به‌تاک‌شو یا حتی همین الان، بعد نقل‌قول‌هایی از حرف‌ها‌ت رو بیرون می‌کنش و ایتالیک می‌کنن، خیلی بلند به‌نظر میان. من اون آدم نیستم. من توی حرکت بیشتر معنا پیدا می‌کنم؛ کلی طول کشید تا حتی به‌کم راحت باشم با اینکه قرار از من عکس بگیرن.»

در حالی که بلانشت می‌گوید که هنوز بازیگری را دوست دارد، او می‌گوید که می‌خواهد به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازد.

او می‌گوید: «من می‌دانم که می‌توانم به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازم، اما می‌خواهم ببینم آیا می‌توانم به آن‌ها به اندازه بازیگری علاقه داشته باشم یا نه.»



برش بازیگر زن از دومین برج بلند جهان به خواست خودش

فلورنس پئو، اخیراً در گفت‌وگویی فاش کرد که بارها و بارها به کوین فایگی، رئیس استودیو مارول، ایمیل زده تا اجازه بدهد خودش بدون بدلکار، صحنه‌ای از فیلم «صاعقه‌ها» را بازی کند؛ صحنه‌ای که در آن شخصیت او، یلنا بلووا، از دومین ساختمان بلند جهان می‌پرد. این ساختمان، مردکا ۱۱۸ (Merdeka 118)، در کوالالامپور مالزی است که ارتفاع آن ۲۷۲۲ فوت (حدود ۸۳۰ متر) است. پئو که عاشق ارتفاع است، می‌خواست خودش این پرش را انجام دهد. او گفت: «من وارد همه ایمیل‌ها شدم. این صحنه در فیلمنامه بود، اما هرچه به زمان فیلمبرداری نزدیک‌تر می‌شدیم، گفتند که فکر نمی‌کنن عملی بشه؛ چون بحث بیمه خیلی دیوانه‌واره و معلومه که نمی‌تونیم. تو رو از دومین ساختمان بلند دنیا پرت کنیم پایین. گفتم چی؟ معلومه که باید این کارو بکنیم؛ باید انجامش بدیم.»

او ادامه داد: «ششبه یه زن غرغروی پررو شده بودم که به کوین ایمیل می‌زنه و می‌گه این کار برای تور تبلیغاتی فیلم فوق‌العاده‌ست. باید اینو انجام بدیم؛ می‌تونیم با این کار ۳ زن رو داشته باشیم که ۳ رکورد جهانی گینس مختلف رو می‌شکنن. مدام فیلم می‌آوردم تا اینکه گفتن: «باشه، اگه واقعا می‌خوای از دومین برج بلند دنیا بیفتی، به راهی براش پیدا می‌کنیم.» من مشکلی با ارتفاع ندارم. در واقع ازش لذت می‌برم، ولی این به سطح کاملاً متفاوت و دیوانه‌وار بود. کنترل ذهنی که اون روز لازم داشتم، خودش به جور قدرت ابرقهرمانی بود.» پئو اضافه کرد: «پرش از دومین برج بلند دنیا چنان هیجان‌انگیز و پسر از آدرتالین بود که بعد از انجام بدلکاری، ۳ ساعت خوابیدم؛ چون مغزم کاملاً خالی شده بود.»

برج خلیفه در دوبی، حین فیلمبرداری «مأموریت غیرممکن: پروتکل شیخ» (۲۰۱۱) بالا رفت. آن بدلکاری هنوز هم یکی از لحظات نمادین دوران ایفای نقش او به‌عنوان ایتن هانت در این فرنچایز طولانی محسوب می‌شود. پئو در فیلم «صاعقه‌ها» در کنار سباستین استن، وایت راسل، اولگا کوریلنکو، لوئیس یولمن، جرالدین ویسوناتان، دیوید هاربر، هانا جان-کامن و جولیا لوتی-درفوس بازی می‌کند. این فیلم ابرقهرمانی مارول درباره تعدادی از ضدقهرمان‌های MCU است که مجبور می‌شوند در مأموریتی خطرناک با هم همکاری کنند. «صاعقه‌ها» در تاریخ ۲ مه توسط دیزنی و مارول استودیوز در سینماها اکران می‌شود.

ظرفیت شهرداری‌ها در آشنایی شهروندان با فضا‌های فرهنگی

حبیب ایل‌بیگی، مدیرعامل مؤسسه سینما شهر؛ از ظرفیت‌های موجود در شهرداری‌ها برای فضا‌سازی تیلیغاتی برای آشنایی شهروندان با مکان‌ها و فضا‌های فرهنگی به جهت جذب بیش ازپیش مردم نباید غافل شد./ ایلنا



وظیفه آگاهی بخشی به جامعه را از فیلمسازان گرفتند

جهانبگیر الماسی، بازیگر زمانی فیلمسازان ما خود را در برابر جامعه مسئول می‌دانستند؛ رسالت‌شان روشنگری و آگاهی‌بخشی بود. اما این مسئولیت را از آنان گرفتند. به آنها گفتند: «نه آقا، کار شما فقط سرگرمی‌سازی است! سینما یعنی صنعت و وظیفه شما این است که مردم را سرگرم کنید، همین!./ سینماپرس



اکران آنلاین

سعید مروتی؛ روزنامه‌نگار

آنتی‌تز سینمای زیرزمینی

چند نکته در حاشیه و متن «علت مرگ: نامعلوم»



«علت مرگ: نامعلوم» فیلم تحسین‌شده منتقدان در زمستان سال گذشته، که حالا به اکران آنلاین آمده، از معدود درام‌های اجتماعی مقبول سال‌های اخیر سینمای ایران است. با این توضیح که در ۴ سال اخیر مسیر تولید تا اکران سینمای ایران بیش و پیش از هر چیز یادِ خدمت‌کمدی‌های عامه‌پسند یا فیلم‌هایی بوده که تولیدات استستراتژیک نامیده می‌شوند. فیلم‌های گروه اول چه در مرحله‌صور پروانه‌ساخت و چه در اکران عمومی برای رونق گیشه مورد حمایت قرار می‌گیرند و فیلم‌های گروه دوم هم بیشتر در تولید مورد توجه هستند تا اکران. در این میان، آنچه روزگاری سینمای اجتماعی ایران نامیده می‌شد کاملاً به حاشیه رفت و جایش را تولیدات زیرزمینی گرفتند که از همان ابتدا برای حضور در فستیوال‌های خارجی طراحی و تولید شدند. به نوعی می‌توان گفت درام اجتماعی در سینمای ایران از بین رفت و با تغییر مسیر و اتخاذ رویکردی که مورد توجه جشنواره‌ها قرار بگیرد روی گسل‌های جامعه ایران سوار شد و با پز گنمایی آنها منابعی برای رنگین‌افراهم کرد و بی‌خیال مجراها و مجوزهای رسمی هم شد. بخش قابل توجهی از این اتفاق محصول بی‌مهری و بی‌اعتنایی به فیلم‌هایی از جنس «علت مرگ: نامعلوم» بوده است.



نگاهی به مسیری که فیلم از ابتدای تولید تا اکران طی کرده به‌عنوان یک نمونه می‌تواند نشان دهد که چگونه و با چه سیاستی کوشیده شد تا سینمای اجتماعی گرفتار کوچه بن‌بست نشود. «علت مرگ: نامعلوم» در دی‌ماه ۱۳۹۹ پروانه ساخت گرفت، وارد پیش تولید شد و به مرحله فیلمبرداری رسید. فیلم متقاضی شرکت در چهلمین جشنواره فیلم فجر شد و توانست ۶ رأی موافق از ۷ رأی هیأت انتخاب جشنواره را به دست آورد، ولی به دلایلی نامعلوم پروانه نمایش نگرفت و از حضور در جشنواره فجر بازماند. فیلم از اکران در ایران بازماند و در چند جشنواره جهانی شرکت کرد و جوایزی هم گرفت. ظاهراً آنچه باعث خروج فیلم از جشنواره فیلم فجر و جلوگیری از اکرانش شد، اتهام آشنای سیانمایی بود، هرچند در نهایت هیچ مسئول سینمایی‌ای توقیف فیلم را به گردن نگرفت. «علت مرگ: نامعلوم» در نهایت در تیرماه ۱۴۰۲ پروانه نمایش گرفت، ولی تا دی‌ماه ۱۴۰۳ امکان اکران عمومی نیافت. بخشی از توقف ۲۰ ماهه احتمالاً محصول مناسبات اکران در ایران است که روی خوشی به فیلم‌های غیرکمدی نشان نمی‌دهد، ولی قطعاً این تمام ماجرا نیست. فیلمی که ۴ سال تماشاگر ایرانی از تماشايش محروم ماند، ولی در چندین جشنواره خارجی به نمایش درآمد پس از اکران در ایران به این پرسش دامن زد: «چرا این فیلم توقیف شده بود؟» پرسشی که هیچ‌کس پاسخ قانع‌کننده‌ای برایش نداشت.

نخستین ساخته علی‌زنگار که در سینمای ایران با همکاری در نوشتن فیلمنامه‌های «چهارشنبه زوده اردیبهشت» و «بدون نشان» می‌دهد که به لحاظ فیلمنامه چننه پری دارد و می‌تواند در هر قسمت تماشاگران خود را غافلگیر کند، همچنین پر از ظرافت و ریزه‌کاری‌هایی است که کشف آن برای تماشاگر لذتبخش به‌نظر می‌رسد. برای مثال می‌توان به خرابی ضبط اتومبیل و به کار افتادن غیرمنتظره‌اش، جایی که داوود انتظارش را ندارد، اشاره کرد، عصری پیش با افتاده که سیدی از آن بهره دراماتیک هوشمندانه‌ای می‌گیرد. در عین حال «وحشی» در ذات خود یک نقد اجتماعی جدی دارد که ذهن تماشاگران خود را به حوادث رخ‌داده در معدن‌ها و وضعیت کارگران آن راجع می‌دهد بدون آن که گل درشت به‌نظر برسد و سیاه‌نمایی‌کند. یکی دیگر از منتقدان هم درباره شخصیت پردازی‌ها در این قسمت از سریال نوشته که خوب پیش رفته و توانسته بیننده را گول بزند. دیگری هم معتقد است؛ اینجا با یک جواد عزتی جدید روبه‌رو خواهیم بود که ربطی به مالک «زخم کاری» ندارد و آن هم تأثیر مستقیم کارگردان است.

به همین دلیل عجیب نیست که تعبیر آشنای «سینمای شریف اجتماعی» در یک‌سال اخیر بیش از هر فیلم دیگری درباره «علت مرگ: نامعلوم» تکرار شد. فیلم اما بیش از هر چیز نمونه عبرت‌آموزی است از برخورد بی‌جهت با سینماگرانی که در دل ساختار رسمی و با حس‌نیت (صفتی که منتقدان در دهه ۵۰ در مورد فیلمسازان موج نوپی به کار می‌بردند) فیلم اجتماعی واجد کارکرد ساختند و بی‌جهت تنبیه شدند تا در غیاب‌شان نوعی از سینما رشد و نمو کند که اساساً امکان نمایش رسمی ندارد و در بند ساختارهای تولید و نمایش رسمی و داخلی نیست. «علت مرگ: نامعلوم» آنتی‌تز این سینفاست.

گزارش

شقایق عرفی نژاد روزنامه‌نگار

۵ سال پس از سریال «قورباغه» هومن سیدی با سریال «وحشی» در حالی به شبکه نمایش خانگی بازگشته که به‌نظر می‌رسد کوشیده در حال و هوایی متفاوت از سریال‌های ایرانی روزگام بردارد. این برداشتی است که می‌شود از قسمت اول سریال دانست.

«قورباغه» با تمام فراز و نشیب‌هایش سریالی بود که در مجموع

توانست مورد توجه مخاطبان قرار گیرد و باید دید با «وحشی» چه خواهد کرد؟ هومن سیدی معمولاً از سبوی منتقدانش به گره‌ته‌برداری از آثار خارجی متهم شده و باید دید این بار شاهد چه واکنش‌هایی درباره کار تازه‌اش خواهیم بود. با پیش قسمت اول عده‌ای شروع سریال را با فیلم «قهرمان» اصغر فرهادی مقایسه کرده‌اند. هرچند قسمت اول «وحشی» در کلیت تفاوت‌های محسوسی با فیلم فرهادی دارد. هومن سیدی در ساخته‌های پیشین خود نشان داده باهوش است و می‌داند چطور مخاطبش را جذب کند و در وحشی هم دست‌کم در نخستین قسمت همینطور عمل کرد. همانطور که در فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده»

و «جنگ جهانی سوم» و سریال «قورباغه» سراغ قشر فرودست جامعه رفته و از آنچه بر آنها گذشته و از رنج و عصیان‌شان گفته، در وحشی هم ماجرای واقعی کارگری مطیع را روایت می‌کند که وارد ماجراهای پیچیده می‌شود. آنچه او تا امروز ساخته، جریان متفاوتی در سینما و سریال‌سازی متداول است که گاه خودش هم در نمونه‌هایی از آنها بازی کرده است، مثل «گیسو» و «عاشقانه» منوچهر هادی یا فیلم‌های «در مدت معلوم» و «من دیه‌گو مارادونا هستم». او جریان متفاوتی را دنبال می‌کند، اما در عین حال به سادگی می‌تواند با مخاطب عام ارتباط برقرار کند و این شاید بزرگ‌ترین مهارت سیدی باشد.



منتقدان چه می‌گویند؟

برایند نگاه منتقدان به نخستین قسمت «وحشی» مثبت است، چند نکته‌ای که بعضی‌ها نپسندیده‌اند، اما در مجموع نقدهای خوبی دریافت کرده است. یکی از منتقدان با اشاره به آغاز و پایان این قسمت نوشته: «بهترین وجه رسیدن از چنان آغازی به چنین پایانی در قسمت نخست سریال در این نکته نهفته است که همه‌چیز به‌شکل ارگانیک و طبیعی پیش می‌رود و خبری از تصادف یا اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی (شبیه آنچه منلار در قورباغه رخ می‌داد) نیست.» و ادامه داده می‌توان با خیال راحت گفت که نخستین قسمت «وحشی» کاملاً راضی‌کننده است و می‌تواند نوید یک داستان درگیرکننده و پر جزئیات را بدهد.

منتقد دیگری از فیلمنامه خوب این قسمت نوشته است: «وحشی» در همان قسمت نخست نشان می‌دهد که به لحاظ فیلمنامه چننه پری دارد و می‌تواند در هر قسمت تماشاگران خود را غافلگیر کند، همچنین پر از ظرافت و ریزه‌کاری‌هایی است که کشف آن برای تماشاگر لذتبخش به‌نظر می‌رسد. برای مثال می‌توان به خرابی ضبط اتومبیل و به کار افتادن غیرمنتظره‌اش، جایی که داوود انتظارش را ندارد، اشاره کرد، عصری پیش با افتاده که سیدی از آن بهره دراماتیک هوشمندانه‌ای می‌گیرد. در عین حال «وحشی» در ذات خود یک نقد اجتماعی جدی دارد که ذهن تماشاگران خود را به حوادث رخ‌داده در معدن‌ها و وضعیت کارگران آن راجع می‌دهد بدون آن که گل درشت به‌نظر برسد و سیاه‌نمایی‌کند. یکی دیگر از منتقدان هم درباره شخصیت پردازی‌ها در این قسمت از سریال نوشته که خوب پیش رفته و توانسته بیننده را گول بزند. دیگری هم معتقد است؛ اینجا با یک جواد عزتی جدید روبه‌رو خواهیم بود که ربطی به مالک «زخم کاری» ندارد و آن هم تأثیر مستقیم کارگردان است.



در حالی که بلانشت می‌گوید که هنوز بازیگری را دوست دارد، او می‌گوید که می‌خواهد به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازد.

او می‌گوید: «من می‌دانم که می‌توانم به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازم، اما می‌خواهم ببینم آیا می‌توانم به آن‌ها به اندازه بازیگری علاقه داشته باشم یا نه.»

در حالی که بلانشت می‌گوید که هنوز بازیگری را دوست دارد، او می‌گوید که می‌خواهد به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازد.

در حالی که بلانشت می‌گوید که هنوز بازیگری را دوست دارد، او می‌گوید که می‌خواهد به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازد. او می‌گوید: «من می‌دانم که می‌توانم به کارهای دیگر در صنعت سرگرمی بپردازم، اما می‌خواهم ببینم آیا می‌توانم به آن‌ها به اندازه بازیگری علاقه داشته باشم یا نه.»

«زندان دریایی کارائیب» و «قتل در قطار سریع‌السیر شرق» مقابل هم قرار می‌دهد. مادلین کلاین نیز در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازد. مانو ریوس، آرون یایبر، خوان دیه‌گو بوتو و آنیکا بویل نیز از دیگر بازیگران این فیلم هستند. «نوش‌خوار روز» داستان یک پیشخوان‌چی قایق تفریحی (کلاین) را روایت می‌کند که با یک مهمان مرمروز (دب) روبه‌رو می‌شود. آنها به‌زودی خود را درگیر یک شخصیت جنایتکار (کروز) می‌بینند و به طریقی که هیچ‌کس انتظارش را ندارد به هم مربوط می‌شوند. فیلم که تولید آن در اسپانیا آغاز شده، توسط بزیل ایوانیک و اریکالی از کمپانی

لاینس گیت تولید فیلم «نوش‌خوار روز» را آغاز و نخستین تصویر از جانی‌دپ را

منتشر کرده است. دپ پس از نبردهای حقوقی بر سر سودها با همسر سابقش، امبر هرد، به هالیوود بازمی‌گردد. این فیلم توسط مارک وب، کارگردان فیلم‌های «۲۰۰۰ شروز تاستان» و «سفیدرفی» ساخته می‌شود و برای چهارمین بار دپ و پنلوپه کروز را بعد از همکاری‌های قبلی در فیلم‌های «کو کائین»،

